

کسب قلب سلیم یعنی چه؟ بدون قلب سلیم چه شرایطی خواهیم داشت؟

کسب قلب سلیم، شرط بهره برداری از شادی و آرامش پایدار

گفتیم که دنیا خانه ما نیست و ما از جهان ملکوت برای تبدیلی‌های بالقوه خود به دنیا آمده‌ایم و دوباره به جهان ملکوت باز خواهیم گشت، در این مورد هم صحبت کردیم که به فرآیند تبدیل کردن استعدادها بالقوه به توانمندی‌های بالفعل، شدن می‌گوییم و گفتیم که این شدن باید در قلب یا حقیقت وجود ما اتفاق بیفتد؛ چون تنها چیزی که با خود از دنیا خواهیم برد، قلب ماست.

قلبی که در دنیا به سمت کامل شدن پیش رفته است، قلب سلیم نام دارد؛ در نتیجه هدف از خلقت انسان را می‌توان به اختصار کسب قلب سلیم دانست. در این مقاله این مفهوم را با هم بررسی خواهیم کرد.

البته همان‌طور که در درس‌های پیش هم به آن اشاره کردیم، وقتی صحبت از قلب می‌کنیم، منظورمان ماهیچه‌ای که خون را به تمام بدن پمپاژ می‌کند، نیست؛ بلکه منظور ما حقیقت وجود انسان است که درک دارد و دریافت می‌کند. حقیقت جاویدان وجود ما که هر کدام از ما به وسیله آن احساسات و عواطف درونی‌مان را به نمایش می‌گذاریم؛ احساساتی مانند عشق، نفرت، ترس، امید، آرزو و حتی اضطراب‌هایمان را. قلب ابزاری است که بر وجود ما حکمرانی می‌کند، عشق می‌ورزد، می‌ترسد، امیدوار می‌شود، شادی را احساس می‌کند و یا غمگین می‌شود؛ در واقع قلب ما مرکز عواطف، معنویات، فهم و تجربیات درونی ماست.

کسب قلب سلیم، دلیل خروج از خانه

احتمالاً برایتان پیش آمده که به جایی سفر کنید، یا به قصدی از خانه خود خارج شوید و هنگام بازگشت به خاطر بیاورید که به هزار کار بی‌ربط مشغول شده و در این میان دلیل اصلی خروجتان از خانه را فراموش کرده‌اید. مثلاً برای خرید کالایی خاص به فروشگاه رفته‌اید و بعد با سبدی پر از خوراکی‌های جورواجور به خانه برگشته‌اید، اما کالای اصلی را نخریده‌اید.

می‌توان گفت که اغلب ما همین حالا هم در چنین شرایطی هستیم؛ خانه ابدی خود را به قصدی ترک کرده‌ایم، ولی در بین راه چیزهای دیگری به خود مشغول مانده است. البته اوضاع ما کمی پیچیده‌تر است و بیشتر شبیه این است که مثلاً برای شرکت در یک کنگره تخصصی به کشور دیگری سفر کرده و تمام طول سفر را به گشت و گذار در کشور مقصد گذرانده باشیم، شرایط وقتی بدتر می‌شود که به خانه خود باز می‌گردیم و باید از آن تخصص استفاده کنیم.

البته درست است که امکان ندارد، بردن قلب خود به آخرت را فراموش کنیم؛ چون فارغ از سالم یا ناسالم بودن، قلب یا روح ما تنها بخشی از وجود ماست که از امکان زندگی جاویدان برخوردار بوده و در نتیجه تنها داشته ما در آخرت محسوب می‌شود، اما امکان این که به دست آوردن قلبی سلیم را فراموش کنیم، وجود دارد.

تنها دارایی حقیقی ما شادی، آرامش و عشقی است که در قلب خود داریم. حتماً شما هم افراد بسیاری را دیده‌اید که از تمام کمالات حیوانی بهره‌مندند، اما از زندگی لذتی نمی‌برند و درگیر یأس و اضطراب و اندوهند، قلب این افراد بیمار است؛ زیرا قادر به تشخیص درست ارزش هر چیز نیست.

قلب سلیم، قلبی است که اعتبار و ارزش درستی برای پدیده‌های مختلف قائل است و در نتیجه معنای وجود خود را با امور دنیایی گره نمی‌زند. **قلب سلیم** قلبی است که سلامت برای آن تبدیل به ملکه شده است و انحرافات و کاستی‌ها به آن راهی ندارند. قلب حقیقت وجود ماست و سلامت آن در دنیا و آخرت برای ما حیاتی است، بدون برخورداری از قلب سلیم زندگی ما در آخرت تقریباً غیرممکن است و بدون رسیدن به سلامت قلب دردنیای، کسب آن در آخرت غیرممکن است.

هر چه در این دنیا به دست می‌آوریم، از ثروت، موقعیت اجتماعی و پیشرفت‌های تحصیلی گرفته تا روابط عاطفی و انسانی تنها در زندگی دنیایی دارای ارزش و اعتبارند و در سفر به جهان دیگر همراه ما نخواهند بود. به عبارتی تمام دستاوردهای دنیایی ما تنها در سایه کسب قلب سلیم است که برای ما مفید خواهند بود. بدون کسب قلب سلیم دستاوردهای دنیایی ما مانند اعضای اضافی در بدن نوزادی خواهند بود، که برای خودش سه جفت دست و پا ساخته، اما قلب و دستگاه تنفسی کارآمد نساخته است.

اهمیت کسب قلب سلیم

برای دانستن اهمیت کسب قلب سلیم کافیست به نقشی که قلب در وجود و سرنوشت ابدی ما بازی می‌کند، توجه کنیم. درست همان‌طور که جنین برای داشتن یک تولد سالم به دنیا به شرایط و مراقبت‌های ویژه‌ای نیاز دارد، قلب و روح ما هم برای رسیدن به وضعیت مطلوب خود که همان تبدیل شدن به قلب سلیم است، نیاز به تمرین‌های ویژه و دور نگه داشتن خود از خطرات و آسیب‌های احتمالی دارد.

قلب ما به مرور شبیه چیزی می‌شود که از آن پر شده است. اگر دلبسته و شیفته امور مادی مانند ماشین، خانه، ثروت و اموری از این قبیل باشیم، قلب ما هم رابطه عمیق‌تری با این امور برقرار کرده و خود را تا سطح جمادی پایین می‌آورد. اگر طالب موقعیت اجتماعی، جاذبه‌های فیزیکی و جسمی یا به دست آوردن قدرت باشیم، شأن خود را در حد خواسته‌های حیوانی پایین آورده‌ایم و اگر هم تنها به اموری مانند خوردن، زیبایی یا قدرت بدنی اهمیت بدهیم، در حد و مرتبه یک گیاه رفتار کرده‌ایم. بنابراین جهت‌گیری خواسته‌های قلبی ما بر اعمال و حقیقت وجودی ما تأثیر می‌گذارد. برای داشتن یک زندگی شاد و آرام در دنیا و آخرت قطعاً نیاز داریم تا خواسته‌ها و معشوق‌های قلب‌مان را مدیریت کنیم.

ضرورت کسب قلب سلیم در دنیا

قلب سلیم قلب فردی است که حقیقت وجود خود را به درستی معنا کرده و خود را یک انسان می‌داند؛ در نتیجه در مواجهه با سختی‌ها، دردها، رنج‌ها و مشکلات زندگی دنیایی هیچ‌گاه آرامش، شادی و مهرورزی خود را از دست نمی‌دهد. تنها یک انسان است که می‌داند، اعتباریات دنیا فانی و زودگذر است و شخصیت خود را به این تعاریف گره نمی‌زند؛ در نتیجه هیچ موقعیتی نمی‌تواند چنین فردی را از کوره به در کرده یا دچار غم، اندوه و اضطراب کند.

علاوه بر اینکه قلب سلیم تضمین کننده شادی و آرامش ما در زندگی دنیاست، ضرورت کسب آن به محض ورود ما به جهان آخرت مشخص می‌شود. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم رسیدن به قلب سلیم تنها پیش از ترک دنیا امکان‌پذیر است. تمام تلاش‌های ما و آنچه برای خود فراهم کرده‌ایم، تنها در صورتی مفید خواهند بود، که با خود قلب سالمی به زندگی پس از دنیا آورده باشیم. چون تنها قلب سلیم است که با شرایط زیستی ملکوت مطابقت دارد. قلب ما که حقیقت وجود ماست، تنها در صورتی سالم تلقی می‌شود که با شرایط محیطی که به آن وارد می‌شود، سنخیت و هماهنگی کامل داشته باشد و این هماهنگی به دست نخواهد آمد مگر در صورتی که قلب خود را در زندگی دنیا برای رویارویی با شرایط ملکوت آماده کرده باشیم.

در این مقاله آموختیم هر چه ما در دنیا به دست می‌آوریم، تنها در سایه کسب قلب سلیم است که ارزش و اعتبار پیدا می‌کند و در غیر این صورت مانعی برای رسیدن ما به سعادت خواهد شد و مدیریت دلبستگی‌های قلبی ما برای رسیدن به آرامش و شادی جاویدان ضروری است. در این درس فقط به معرفی قلب به عنوان حقیقت جاویدان خود و کسب قلب سلیم به عنوان ابزاری برای حفظ شادی و آرامش پایدار پرداختیم، چرایی و چگونگی این مفاهیم را در درس‌های بعدی بررسی خواهیم کرد.